

## حضرت امام هیچ اصلاحی را در رژیم شاه کارساز نمی‌دانستند

۲۹ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۰۸

عالم مفضل و مرجع والامقام، حضرت آیت‌الله العظمی حاج میرزا جعفر سبحانی تبریزی دام‌ظله، از شاگردان دیرین حضرت امام خمینی است که تقریرات اصول ایشان را در مجموعه‌ای ۶ جلدی به نام «تهذیب‌الاصول» منتشر کرده است. او گنجینه‌ای گران از خاطرات ناگفته از منش والای استاد خویش است.

عالم مفضل و مرجع والامقام، حضرت آیت‌الله العظمی حاج میرزا جعفر سبحانی تبریزی (دام‌ظله)، از شاگردان دیرین امام خمینی است که تقریرات اصول ایشان را در مجموعه‌ای ۶ جلدی به نام «تهذیب‌الاصول» منتشر کرده است. او گنجینه‌ای گران از خاطرات ناگفته از منش والای استاد خویش است که به پاره‌ای از آنها در این گفت و شنود اشاره کرده است.

حضرت‌عالی از شاگردان برجسته و دیرین حضرت امام خمینی(قده) بوده‌اید. از نظر شما ویژگی‌های برجسته ایشان، که کمتر مورد اشاره و تبیین صاحب‌نظران قرار می‌گیرد، کدامند؟

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين(ع). همان گونه که استحضار دارید، شخصیت حضرت امام خمینی(قده) ابعاد گوناگونی دارد. ایشان در خانواده‌ای که اهل علم بودند، به دنیا آمدند. در کودکی سایه پدر از سر ایشان رفت و تحت سرپرستی عمه و بعد از آن برادر بزرگشان، مرحوم آیت‌الله پسندیده قرار گرفتند. ظاهراً تا حدی ادبیات فارسی را هم، نزد ایشان فرا گرفتند. سپس در سال ۱۳۲۹ هجری برای تحصیل به اراک رفتند.

مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۱۶ هجری، در اراک حوزه علمیه‌ای را دایر کردند که در سال ۱۳۲۴ منحل شد! ایشان بار دیگر در سال ۱۳۳۲ این حوزه را برقرار ساختند و امام در سال ۱۳۴۰ به آنجا می‌روند و به تحصیل ادبیات عرب می‌پردازند.

حاج شیخ در سال ۴۰ قمری به قم می‌روند و در آنجا به درخواست علما رحل اقامت می‌گزینند و به امام و دوستان خود در اراک می‌نویسند که همگی به قم بیایند. امام طی چهار سال دروس سطح را به اتمام می‌رسانند و در سال ۱۳۴۴، وارد درس خارج مرحوم حاج شیخ می‌شوند و به مدت یازده سال نزد ایشان فقه و اصول می‌خوانند. امام از درس مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید محمدتقی خوانساری هم استفاده می‌کنند.

عروض و قوافی را نزد مرحوم آیت الله آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی می خوانند و برای اینکه با افکار مادی مسلکها آشنا شوند، نقد فلسفه داروین را هم از محضر ایشان استفاده می کنند. هیئت قدیم و جدید را نزد مرحوم آیت الله آقای حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی می خوانند. ظاهراً در طول این مدت و یا بخشهایی از آن، با مرحوم آیت الله آقا سید احمد زنجانی و مرحوم آیت الله داماد هم مباحثه بودند.

□ به نظر جنابعالی، گرایش به عرفان در امام از کی آغاز شد؟ و در عرفان نظری، به چه جایگاهی رسیدند؟

از سال ۱۳۲۵، ولی هرگز نگفتند مراحل سیر و سلوک را نزد چه کسی طی کردند. ایشان از سنین ۲۶، ۲۷ سالگی مراحل سیر و سلوک را آغاز کردند و تا آخر عمر، حتی یک شب هم نماز شبشان قطع نشد. ایشان نزدیک به پنج سال و نیم شرح فصوص قیصری را نزد مرحوم آیت الله آقای حاج میرزا محمدعلی شاه آبادی خواندند و علاقه عجیبی هم به ایشان داشتند. می فرمودند: در عمرم، انسانی این چنین لطیف ندیده ام! یک بار از ایشان سؤال کردم گرایش شما به عرفان باعث نشد فقه و اصول را ترک کنید؟ فرمودند: من هرگز دروس فقه و اصول را ترک نکردم! امام در بین اساتید منقول، به مرحوم حاج شیخ علاقه خاصی داشتند. همان طور که عرض کردم ایشان فلسفه را نزد مرحوم آقا سید ابوالحسن قزوینی خواندند. مدتی هم فلسفه تدریس می کردند.

□ علت نگارش کتاب «کشف الاسرار» توسط امام چه بود؟ از سیر تالیف و انتشار این اثر، از ایشان چه شنیده اید؟

در سال ۱۳۲۲ فردی به نام حکمی زاده، کتابی به نام «اسرار هزار ساله» در رد تشیع، اسلام و ترویج وهابیت نوشت که خیلی سر و صدا کرد. او در آن کتاب سؤالات و مسائلی را طرح کرده بود که تا آن روز کمتر مطرح شده بودند. خیلیها نگران شدند. امام می فرمودند: درباره پاسخ این شبهات به من مراجعه شد و من هم دو ماه درس را تعطیل کردم و به پاسخ به سؤالات این کتاب پرداختم. اسم خودم را هم رویش نگذاشتم، چون قصد نداشتم معروف شوم، ولی کار برعکس شد! هنگامی که کتاب منتشر شد، حکمی زاده برایم پیغام فرستاد که: پاسخهای شما بسیار متین و استوار بودند! از نگارش این کتاب غرضی جز طرح سؤالاتی که برای مردم مطرح بود نداشتم و می خواستم کسی مثل شما به این سؤالات پاسخ بدهد!

\*تحلیل جنابعالی از محتوای کتاب کشف الاسرار چیست؟

این کتاب عمدتاً، کتابی فلسفی و توحیدی در باب امامت است، اما امام در عین حال بسیاری از مسائل سیاسی را هم در آن مطرح کردند، از جمله اینکه علت مخالفت رضاخان با علما چه بود؟ در آنجا کاملاً معلوم است امام در باب حکومت پهلوی چگونه می اندیشند.

در آنجا ایشان صحبتی از اصلاح حکومت پهلوی نمی‌کنند، بلکه صراحتاً بیان می‌دارند این‌گونه افراد باید خلع ید شوند! خیلی‌ها از طرح این موضوعات ترسیدند و به امام گفتند: اگر آنها دوباره قوی شوند، شما را اذیت خواهند کرد! در سالهای ۲۲ و ۲۳ متفقین در ایران حضور داشتند و حکومت ایران ضعیف بود!

\*چرا در آن سالها، امام تلاش فراوانی کردند که آیت‌الله بروجردی به قم بیایند و در این شهر مستقر شوند و آیا اهداف مورد نظر امام، با حضور ایشان جامه عمل می‌پوشیدند؟

مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی (اعلی الله مقامه)، در سال ۱۳۲۴ به قم آمدند و در این شهر مستقر شدند.

انصافاً امام برای دعوت از ایشان و سپس استقرار زعامت ایشان، فوق‌العاده زحمت کشیدند. بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، امام تنها کسی را که با نوشتن نامه، مرحوم آقای بروجردی به بلاد مختلف معرفی کردند.

ایشان در آن دوره معتقد بودند آقای بروجردی در قبال مسائل سیاسی هم حساسیت دارند و طبعاً به این امور هم خواهند پرداخت. البته آقای بروجردی بیشتر کارها را، از طریق نصیحت و دستورات نه چندان آشکار دنبال می‌کردند.

از جمله در سال ۱۳۳۴ به مرحوم آقای فلسفی نامه نوشتند و ایشان هم در رد بهائیت منبر می‌رفتند. موقعی که آقای فلسفی متن نامه آقای بروجردی را خواندند و پس از چندی و به ناگزیر مسئله رها شد، امام گلایه داشتند و می‌گفتند: هر روز محضر آقای بروجردی می‌روم و ایشان را برای بیرون کردن بهائی از ادارات ترغیب می‌کنم، ولی فردا که به سراغ ایشان می‌روم، همه دلوپسیها از بین رفته و آقا دوباره نسبت به تعقیب این موضوع سرد شده‌اند!

امام زعامت را حق آقای بروجردی می‌دانستند و لذا آشکارا به کارهای سیاسی نمی‌پرداختند. به خاطر دارم هنگامی که مرحوم نواب و یارانش در آستانه اعدام قرار گرفتند، امام سه نامه به مرحوم آقای بهبهانی، مرحوم صدرالاشرف و حاج آقا رضا رفیع نوشتند که متأسفانه پاسخ مقتضی دریافت نکردند.

\*نخستین اقدام علنی امام در زمینه مسایل سیاسی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، کدام رویداد بود؟

در پانزده مهر ۱۳۴۱، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در روزنامه کیهان مطرح شد که در آن سه خلاف آشکار به چشم می‌خورد. یکی از موارد این بود که قسم نمایندگان به قرآن، تبدیل به قسم به کتاب آسمانی شده بود! مرحوم امام، مرحوم آقای اشراقی را به خانه مراجع و علما فرستادند و از آنان دعوت کردند تا علیه این لایحه موضع بگیرند. تلگراف‌های زیادی به شاه زده شد، اما لحن تلگراف امام بسیار متفاوت بود. البته دستگاه قضیه را با حقه‌بازی تمام کرد و حق و باطل را در هم آمیخت! گام بعدی

مواجهه امام با دستگاه، مواجهه با شخص شاه در ماجرای فرماندم انقلاب سفید بود که کاملاً گرایش‌های سیاسی ایشان را بر همگان نمایان کرد. امام روز ششم بهمن سال ۴۱ را عزای عمومی اعلام کردند که برای رژیم خیلی سنگین بود.

\*فاجعه مدرسه فیضیه چگونه پیش آمد؟ از حواشی این رویداد چه خاطراتی دارید؟

مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی در روز رحلت امام صادق(ع) در مدرسه فیضیه ختم گرفتند. در این روز مولوی، رئیس ساواک تهران و کماندوهایش به مدرسه ریختند و عده زیادی را زخمی کردند و یک نفر از طلاب هم به شهادت رسید. آنها می‌خواستند وانمود کنند که کشاورزان و پیشه‌وران با روحانیت مخالفند و این‌گونه واکنش نشان داده‌اند که البته این ترفند موثر واقع نشد و مردم واقعیت ماجرا را می‌دانستند.

\* واکنش امام چه بود؟

ایشان اعلامیه تندی دادند که به سرعت در سراسر کشور پخش شد و به تدریج مردم رهبر انقلاب خود را شناختند. بعد هم قضیه پانزده خرداد پیش آمد که منجر به دستگیری و تبعید ایشان شد.

\* حضرتعالی کدام یک از ویژگیهای حضرت امام را در توفیقاتی که به دست آوردند مؤثر می‌دانید؟

امام در زمره کسانی بودند که ولو به خاطر کاری بزرگ، زیر بار منت کسی نمی‌رفتند و همواره از ذلت تبری می‌جستند. دیگر اینکه ایشان بیش از آنکه در کتابها تتبع کنند، فکر می‌کردند. می‌فرمودند: کسی که دائماً به این کتاب و آن کتاب مراجعه کند، فکر نمی‌کند! باید خودم فکر کنم. دیگر ویژگی این بود که ایشان مسائل را به صورت قاطعانه مطرح می‌کردند. در درس هم همین‌طور بودند. نظرشان را قاطعانه مطرح می‌کردند و نظرات دیگران را هم می‌گفتند.

اما صفتی که در ایشان از هر صفت دیگری برجسته‌تر بود، ضدیت آشکارشان با ریاکاری، عوام‌فریبی و تظاهر بود. هرگز ندیدم ایشان تسبیح به دست بگیرند و ذکر بگویند. هرگز ندیدم لباس و کفش کهنه بپوشند. بسیار آراسته و مرتب بودند. می‌فرمودند: اینها نشانه‌های تکدی است و روحانی باید از نشانه‌های تکدی، دور باشد. بسیار مقید به نظافت بودند. از تفریح و مجالس انس غافل نبودند و می‌فرمودند: در جوانی همیشه پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها برای تفریح به باغهای اطراف می‌رفتیم و این ما را برای کارهای علمی در طول هفته آماده می‌کرد.

دیگر اینکه امام به شدت از غیبت بیزار بودند و در مجلسی که کسی غیبت می‌کردند نمی‌نشستند و به شدت تذکر می‌دادند. به نماز اول وقت و نماز جماعت بسیار مقید بودند و هر روز به مدرسه فیضیه می‌آمدند و می‌نشستند تا مرحوم آقای زنجانی نماز را بخوانند.

نکته جالب اینکه امام همیشه با قلم نی می نوشتند، مگر بعد از انقلاب که چون باید سریع می نوشتند از خودنویس استفاده می کردند. ایشان از همان ابتدا با بقیه فرق داشتند. یادم هست در سال ۴۲ عده‌ای از علما نامه‌ای به دستگاه نوشتند که خوب است ساواک فقط جنبه اطلاعاتی داشته و حق قضاوت و زندانی کردن نداشته باشد. آن نامه را بردم که امام امضا کنند، ولی ایشان فرمودند: خوب است و منتشر کنید، اما من غیر از این را می خواهم و امضا نکردند! آن روز متوجه نشدیم منظور ایشان چیست، ولی بعدها فهمیدیم ایشان هیچ اصلاحی را در رژیم شاه کارساز نمی دانستند و معتقد بودند اساساً باید بساط پادشاهی برچیده شود.

\* و پرسش پایانی اینکه امام در عرفان و فلسفه به کدام یک از آثار گرایش داشتند؟

در عرفان به قاضی سعید قمی و در فلسفه به صدرالمآلهین. در فقه هم روش امام آمیزه‌ای بود از روش مرحوم آقای بروجردی و مرحوم حاج شیخ.

منبع: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۷۴۷/دانشتند-نمی-کارساز-شاه-رژیم-اصلاحی-هیچ-امام-حضرت>